

مدیریت جهان و دکتورین تشیع صفوی در تاریخ معاصر!

دریک جامعه اشرافی، دموکراسی خود

یک روند ضد دموکراتیک است!

« ژان پل سارتر فیلیسوف معروف فرانسه »

قسمت چهارم



محمد

امین فروتن

به بهانه افاضات گهربار! سردار یحی رحیم صفوی " جنرال " متقاعد و مشاور عالی آیت الله خامنه ای رهبر و « ولی فقیه بخشی از اهل تشیع ایران » در گفتگوی تفصیلی با خبرگزاری فارس ایران به تشریح برخی ناگفته ها از تدابیر !! آیت الله خامنه ای « ولی فقیه » در برخورد با حوادث و اتفاقات داخلی و بین المللی طی 22 سال اخیر پرداخته است که تجزیه و تحلیل آن به مثابه یک مسلمان متعهد به منافع عادلانه و انسانی به این دلیل که سرلشکر نامبرده برای یک دوره نسبتاً طولانی قوماندانی عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را بر عهده داشته است به برخی آفاضات !! وی راجع به افغانستان نگاه تحلیلی می اندازم ، تا باشد که ملت های درد دیده و مسلمانی را از ناتوانی های شیطننت آمیز و ریأ کارانه ای زمامداران « اهالی ولایت فقیه مطلقه!! » آگاه ساخته باشم

برای یافتن درست و دقیق یا درک تحقیقاتی اندیشه ء " جنبش های سیاسی آزادی بخش " در عصر حاضر بویژه در حوزه نهضت های سیاسی معاصر در جهان و خاور میانه ، باید سرچشمه های نخستین و علل و اسباب و جریانات اولیه آن در دوره جدید مورد مطالعه قرار داد . چنانچه در

قسمت سوم این نوشته به افکار و اندیشه های دکتور راشد الغنوشی رهبر و بنیان گذار نهضت اسلامی تونس که اخیراً با دلایل گوناگون و پس از دوده و چند سال عمری که از تأسیس و بنیانگذاری نهضت اسلامی سپری شده است و سرانجام آن نهضت بزرگ بنام حزب «**عدالت و آزادی**» نامگذاری گردید ، اشاراتی نمودیم و گفتیم که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران **راشد الغنوشی** از نخستین شخصیت های غیر شیعی در کشور های خاورمیانه و عربی بوده که از حرکت انقلابی مرحوم آیت الله خمینی و یارانش اعلام پشتیبانی نمود . و یکی از بزرگترین و برجسته ترین توجیهاتی که آقای دکتور غنوشی رهبر و بنیانگذار حزب «**عدالت و آزادی**» برای اعلام چنین حمایت بی شائبه طی صحبت های مفصلی با این قلم داشته است و یا هم در آثار و نوشته های خود منعکس ساخته اند همانا روح سرشار و آمیخته با نوع سرکشی متعهدانه امام خمینی و یارانش از رویه عمومی و تفکر حاکم بر اندیشه های مذهب شیعی بوده ، که اکثر نصوص و مستند رکات بینیش و تفکر حاکم بر مذهب تشیع بویژه از جنس صفوی بر ناجائز بودن کامل هر نوع قیام در برابر ظلم استوار بوده است و برافراشتن پرچمی قبل از ظهور حضرت مهدی، علیه السلام را کارگمراهان و فاسقان می دانند که برای این نوع پذیرش «**ظلم تیوریزه شده**» نیز حدیث صحیح !! ، (۱) ابوبصیر از قول امام صادق، علیه السلام، نقل می کند که آن حضرت فرمودند: هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است که غیر خدا را پرستش می کند. نظیر این حدیث را نیز مالک ابن اعین از امام باقر، علیه السلام، روایت کرده است. که به قول مروجان این تفکر آن حضرت (امام باقر ع) فرموده اند: «**هر پرچمی که قبل از پرچم حضرت قائم، علیه السلام، برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است.**» در نظر معتقدان به تعطیل و نفی مشروعیت حکومت در عصر غیبت، این دو حدیث و مانند آن، از جهت سندی، قابل مناقشه و اشکال نیست. بنابراین، به عنوان دلیلی محکم برای اثبات حرمت قیام قبل از ظهور، مورد توجه قرار گرفته است !! در چنین روزگاری و کارزاری مربوط به سرنوشت مذهب تشیع با قرئت «**ولایت مطلقه فقیه !!**» که عقلانیت و خرد انسانی به **تعطیلات** فرستاده میشوند !!، برخی از بزرگترین چهره ها و مراجع مذهبی و نخبه گان تشیع علوی منجمله مرحوم آیت الله خمینی ، آیت الله سید محمود طالقانی که لقب ابوذر زمان را کسب کرده بود ، شهید آیت الله دکتور سید محمدحسین بهشتی ، مرحوم آیت الله حسینعلی منتظری ، شهید آیت الله مرتضی مطهری و دهها چهره دیگر روحانی ، و درحوزه روشنفکران و دانشمندان حوزه علوم معاصر نیز شخصیت ها و نخبه گان بی نظیری مانند زنده یاد دکتور علی شریعتی ، مهندس مهدی بازرگان ، دکتور حبیب الله پیمان ، ابوالحسن بنی صدر و صد ها متفکرو اندیشمند دیگری پرچم بغاوت در مقابل ظلم و

استبداد سلطنتی مغائر با سنت های محافظه کار تشیع صفوی و درباری را بر افراشتند وقتی انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید از سوی تمامی نهضت های آزادی بخش ملی در سراسر جهان به عنوان بزرگترین پایگاه فکری ستمدیده گان عالم بویژه مسلمانان عدالت خواه دنیا شناخته شد و اکثریتی از حرکت های که برای آزادی و عدالت اجتماعی در برابر استعمار و نظام سرمایه داری می رزمیدند سعی به خرچ میدادند تا شجرة النسب خویش را با محاسبه و ارزیابی وجوہات مشترک شان با نهضت بزرگی که در ایران تازه به قدرت رسیده بود وصل کنند . در راستای این عملیه متقابل آزادی خواهانه و عدالت طلبانه بوده که آقای دکتر رشاد الغنوشی رهبر نهضت اسلامی تونس و دیگر رهبران نهضت های آزادی بخش در جهان یعنی همان احزاب و حرکت های که برای اجرای عدالت و آزادی با نگاه و بینش اجتهادی آمیخته با عقلانیت و با باور بر این که قوی ترین عامل تحول فکری در میان مردم بویژه نسل جوان معاصر بینش و نوع نگاه توحیدی بشمار می آید پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را بویژه آنگاه که بسیاری از چهره های روحانی و روشنفکران اصلاح طلب جامعه ایران عرابه تغییر و انقلاب را با سرعت خارق العاده و موج گسترده ای از نهضت مترقی اسلامی در جامعه ایران به پیش میبردند و با تمامی مظاهری از شرک و خرافات که به گردهم رفته تشیع صفوی پیچانده بودند فاصله می گیرند گرامی داشتند و در راستای استقبال از چنین حادثه بزرگ در تاریخ بشروگرامیداشت حضور فعال روحانیون و روشنفکران وابسته به مذهب شیعه اثنی عشره آن با نگاشتن کتابی بنام «انقلاب اسلامی و امام خمینی» و هزاران نوشته دیگری که از سوی نخبه گان و دانشمندان وابسته با سائر نهضت های آزادی بخش جهان در هواداری با انقلابی که پس از سالها رکود اجتماعی و فرهنگی در حوزه سیاست در مشرق زمین تازه به پیروزی رسیده بود ، گرامی داشتند ، سخت جالب و در عین حال دردناکترین واقعیت زمان ما آنجا و آنگاه است که تمامی ارادتمندان و مخلصان سابق انقلاب ایران در منطقه و جهان از خود میپرسند ، چگونه است و چه علتی باعث شد که یکی از عظیم ترین حرکت های معاصر با گذشت تقریباً سه و نیم دهه ای که از تولد انقلاب اسلامی در ایران میگذرد در روزگاری که شکست اکثر ایدئولوژی های همچون مارکسیسم و نظام سرمایه داری مافیائی معاصر که هرچه زور میزند بجای نه میرسند ، بحیث سیستم های ایدئولوژیک در حوزه مدیریت جهان معاصر ، با حذف تفکر عقلانی و آگاهی بخش «اجتهادی» و متعهد به یک "پارادایم" یا نمونه ای از تفکر خرافات زأ و تولید کننده **شرک** و **اوهام** مبدل گردید ؟ و آرام آرام سایه شوم اندیشه ها و افکار گروه «حجتیه» (۳) و دیگر گروه های متحجر مذهبی که برای مسخ هویت یکی از پایه ها و ستون اصلی جمهوری اسلامی ایران یعنی "**جمهوریت**" از ظهور نخستین جرعه های پیروزی مردم سلحشور ایران در کمین نشسته بود بر مردم سالاری و انسان مداری

همچون کابوسی مسلط گردید . لهذا برای عموم نخبه گان و روشنفکران جهان بویژه آنانی که پیروزی انقلاب در ایران را پیروزی مظلومیت تاریخی مظلومین برظالمین معاصروبرای نخستین بارتهادب گذاری یک سیستم عادلانه توحیدی به فال نیک گرفته بودند سخت قابل تأمل و تأثرگردید ، ونباید تصوّرکرد که با از دست رفتن و افتیدن این پایگاه آزادی خواهان در خفره های بزرگی از خرافات و آلوده گی های تشیع صفوی برای نهضت های آزادی طلبانه و عدالت خواهانه در مشرق زمین بسیار درد ناک و تأسف آور نبوده باشد ، مگر وقتی نهضتی و کتله های بزرگی از مردم « در خانه امید » شان را بسته می یابند و میبینند که قفل های سنگین و بزرگی از خرافات بویژه « خرافات ملمع کاری شده به آب " ولایت مطلقه فقیه " « آفتیده است ، نه میتوانند به سادگی تغییر ماهیت دهند و همه خصائص و جودی شانرا تغییر دهند و این است که نه میتوانند متأسف نباشند و این مصیبت بزرگ قلبشان را به درد نیاورند . در چنین تعامل با هواداران انقلاب است که هم اکنون شاید و یا هم لابد تمامی « اهالی ولایت مطلقه فقیه !! » شاد و مسرور باشند که شخصیت های بزرگ و مجتهدان با نامی که رهبری بزرگترین حرکت ها و جنبش های اصلاح طلب دنیا و منطقه را بر عهده دارند و تقریباً در دو دهه تمام ازبزرگترین انقلاب ضد سلطنتی در ایران به دفا ع برخاسته بودند درجمع و سلک ارادتمندان به انقلاب نه میبینند و حتی از همان تربیون هاو منبر های رسمی و نیمه رسمی که به شیوه کودتائی به تصرف خود در آورده اند علیه آنها فتوای ارتداد ودستور اجرای مجازات صادر می کنند ،!!

سوال اینجا ست که چرا و چگونه یکی بزرگترین پایگاه های فکری و مکتبی تغییر و تحول در منطقه و جهان در حوزه مدیریت فکری جوامع بشرنه تنها تأثیر گذار نیست و نفوذ معنوی و فکری اش را از دست داده است بلکه در بسیاری زمینه ها از قله های فتح شده در سرزمین اندیشه ها نیز عقب نشینی می کنند و آنچه را که خود به مثابه شعارهای میان تهی و بدون پشتوانه علمی ابرازو بیان میدارند ، بر آن عمل نه میکنند !

این درحالی است که استعمار جهانی و نظام بین المللی سرمایه داری با استفاده ازابزار و شیوه های جدید غارتگری و استیلاگری تنها به کمک جیره خواران و مهره های بومی و داخلی شان که سراسر جهان بویژه کشور های مسلمان و جهان سومی را نشانه گرفته اند و هزاران توطئه سیاسی و فرهنگی و ضد اخلاقی را بخاطر اغراض شوم شان که بیگانه ساختن نسل جوان و تحصیلکرده این کشورها با فرهنگ و تمدن خویش است به اجرا در می آورند .! تا بدین ترتیب جوهر عدالت و آزادگی را در قلوبی از جوانان بخشکانند ونسل پیرو توده مردم را درخرافات و

جهل بنام **دین مصنوعی** ! و **دموکراسی فرمائشی** ! ساخت شرکت های اسلحه سازی غرق سازند .

مگر نه این است که همان پایگاه معنوی و فکری تقویت حرکت های استقلال طلبانه و عدالت خواهانه در منطقه و جهان که روح و جوهر اصلی انقلاب اسلامی در ایران باشد با حقیقت و انگیزه های اولیه آن انقلاب با دشمنی آشکار در اُفتید و در مرحله اول با قلع و قمع ساختن نیروهای پیشگام داخلی در ایران که آن حرکت بزرگ ضد سلطنتی مرهون مبارزات استقلال طلبانه آنها و پدران شان محسوب میگردید پرداختند ، بهترین نمونه اش رسوائی است که در انتخابات آخری که در سال ۱۳۸۸ در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران علیه بهترین فرزندان جامعه ایران به اجرا درآمد ، و درگام دوم گلون حرکت های عدالت خواهانه و مسالمت آمیز در منطقه و جهان را با حمایت های ریأ کارانه و با برپائی خیمه شب بازی ها و سرکس های بنام **« مجمع بیداری اسلامی !! »** در تهران بریاست دکتور **علی اکبر ولایتی** که پزشک یا طبیب امراض کودکان است و همچون سر لشکرباز نشسته **یحی رحیم صفوی** در امور شکار بی پناهان و مظلومان بین المللی چراغ راه **« مقام ولایت ! »** اند ، دام های از ریأ و تذویر را هموار میکنند . خوشبختانه امروز مردم و ملت های مسلمان و دربند کشیده آگاه تر و بیدار تر از آنند که با شیوه های نوین استعمار و نظام سرمایه داری پی نبرند و ندانند که امروز و در قرن بیست و یکم یک حق را چگونه باید گشت و چهره یک حقیقت با چه شیوه ای و از کدام زاویه و جغرافیای در افکار عمومی وارونه جلوه داد و با ظل نمود ؟

ادامه دارد

(۱) : وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷، حدیث ۶. (ج ۲۰ جلدی)

(۲) : حسین نوری طبرسی، مستدر الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۸.

(۳) : "انجمن خیریه حجتیه مهدویه" پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با رهبری محمد ذاکر تولایی (معروف به حلبی) با هدف مقابله با بهائیت تأسیس شد.